

بنام خدا

نام مقاله:

"بررسی شخصیت سیاسی میرزا علی کیا"

چکیده:

بقعه سر تربت سماس شهرستان املش مانند بسیاری از بقاع متبرک گیلان فقط یک بقعه با اندیشه های صرف مذهبی نیست بلکه در ورای آن تاریخی بلند بالا و توام با اقتدار نهفته است . این آرمگاه متعلق به میرزا علی کیا و همچنین پدرش سلطان محمد ؛ دو تن از فرمانروایان کیایی گیلان می باشد . میرزا علی کیا در زمان حکومتش بر بخش وسیعی از گیلان حکومت کرد او توانست در زمان حکومت خود بسیاری از قوانین دست و پاگیر مالیاتی را که از دورانهای بسیار دور در این سرزمین باقی مانده بود نابود نماید . میرزا علی در زمان فرمانروایی خود جنگهای متعددی با سایر حاکمان محلی کرد که در بیشتر آنها پیروز شد امامهترین پیروزی او را باید در پرورش و تاثیر گذاری بر موسس سلسله صفوی یعنی شاه اسماعیل صفوی دانست چراکه او تحت تاثیر اندیشه های شیعه گری میرزا علی کیا سلسله ای را بنیان گذاشت که اساس آن بر پایه تشیع دوازده امامی بود چیزی که حداقل به صورت فراگیر در کل ایران تا به آن روز سابقه نداشته است .

واژگان کلیدی : املش , گیلان , میرزا علی کیا , سلطان محمد , شاه اسماعیل

مقدمه:

در منطقه ای کوهستانی واقع در ارتفاعات کشا کجان شهر سمام شهرستان املش بقعه ای تاریخی وجود دارد که به سر تربت مشهور است . سر تربت محل دفن دو تن از سلاطین مقتدر کیایی با نامهای سلطان محمد و میرزا علی کیا ست که بین سالهای ۸۵۱ تا ۹۴۰ حکومت می کردند . علت ساختن بقاع برای این خاندان این بوده که مردم گیلان قداست خاصی برای آل کیا قائل بودند چون آنان نسب نامه ای برای خود ساخته و خود را از نوادگان پیامبر (ص) خوانده بودند بر این اساس که سردودمان این سلسله یعنی سید امیر کیا با یازده واسطه پدری به امام سجاد (ع) و در نهایت امام علی (ع) متصل می شود. در واقع آنها توانستند با این نسب نامه بر اذهان مردم زیدی مذهب گیلان نفوز کرده واز این طریق بر آنها حکومت نمایند . چرا که از این طریق هم مقبولیت مذهبی و هم مشروعیت سیاسی از طرف مردمی میافتند که حکومت را مدتها بود از آن خاندان پیامبر می دانستند .

در یک نگاه کلی می توان به وجود آمدن حکومت آل کیا را در نتیجه خلاء سیاسی که پس از سقوط ایلخانان در ایران به وجود آمد و متعاقب آن حکومت های محلی که در گوشه و کنار ایران شکل گرفت دانست.

اما مهمترین مسئله ای که در دوران سلسله ی آل کیا و خصوصا در دوره کارکیا میرزا علی مطرح می شود بستر سازی های لازم جهت تزریق تفکر نیست که نه فقط محدوده جغرافیایی گیلان ، بلکه فکر مسلط کل ایران شد وآن چیزی نبود جز استفاده از جغرافیای طبیعی ، سیاسی و افکار مذهبی سرزمینی که در در نهایت موجی را به راه می اندازد که منجر به تشکیل حکومت صفویه می شود. بی گمان مهم ترین حادثه سیاسی و اجتماعی عصر آل کیا مقارن با حکوت کارکیا میرزا علی است چرا که او نقش مهمی در به قدرت رساندن صفویه دارد.

پژوهشگر در تحقیق حاضر بر آن است با توجه به منابع پایه ای تاریخ گیلان و منابع جدید تر از جمله سفرنامه ها صورت شفاف تری را از شخصیت و عملکرد میرزا علی کیا در دوران حکمرانی وی به دست دهد و اساسا به این پرسش پاسخ دهد که بسیاری از بقاع متبرکه علاوه بر نمایاندن اعتقادات و باورهای مردمی ، که به آنها معتقدند ؛ نقش حساسی در انتقال گوشه ای از تاریخ و زبان گویای عملکرد و سند غیر قابل انکار انسانهایی است که اکنون در آن آرمیده اند.

کارکیامیرزا علی بن محمد :

واژه کارکیا عنوانی است که در زمان استیلای کیانیان در گیلان بیه پیش مقدم بر نام کسان می آمده ظاهرا به معنی امروزی معنای عالیجناب و حضرت می داده است.(سرتیپ پور ، ۱۳۷۰، ۳۹۳) اما معنی اختصاصی آن به پادشاه و امیر و فرمانروا اطلاق می شده که از همان لفظ کی قدیم بر گرفته شده است. میرزا علی بین سالهای ۸۸۳-۹۰۹ ه.ق پس از مرگ پدر حکومت رابه دست گرفت . پدر او سلطان محمد بن ناصرکیا به دلیل اوصاف پسندیده مورد توجه دربار ایران واقع شد و فرمانروای سرتاسر ولایت دارالمرز یعنی از آستارا تا استرآباد گردید و علاوه بر منطقه بیه پیش ، سلطه منطقه بیه پس را نیز به دست آورد و امیره اسحق را فرمانروای آن ناحیه منصوب کرد .(رابینو، ۱۳۶۹، ۲۷) سلطان محمد چندین بار به رستمدر لشگر گسیل داشت و برای مدت زمانی شهر قزوین را در تصرف داشت. وی در سال ۸۸۳ برابر با اول ژوئیه ۱۴۷۸ م در سمام در گذشت و همانجا به خاک سپرده شد .

سلطان محمد در زمان حیات خود از بین فرزندان خود میرزا علی پسر بزرگترش را به ولیعهدی برگزید . "ومیرزا علی به سعادت و کامرانی به تخت شهنشاهی بنشست. اعیان ملک و ارکان مملکت را به نوازش خسروانه مفتخر ساختند و هریکی را فراخور منصب آنکس التفات خسروانه مرعی فرمودند. وی آنچه رسم و آئین شاهان عادل و خسروان کامل بود ذره ای فرو گذار نکرد." (مرعشی، ۱۳۶۴، ۴۱۵)

اصلاحات اجتماعی و اقتصادی کارکیا میرزا علی:

میرزا علی پس از رسیدن به حکومت پرداختن به مسائلی را در سرلوحه اقدامات خود قرار داد که ظاهراً از زمان پدرش زمینه آن آغاز شده بود. "چون سلطان علی میرزا به تخت بنشستند به نواب و کارکنان دیوان اشارت فرمودند که آثار ظلم و عدوان را که از قدیم الایام رسم و عادت گیل و دیلم بود دفاتر محو گردانند و مطابق شرع شریف و دین حنیف سلوک نمایند." (مرعشی، ۱۳۶۴، ۱۴۱۶) جمله آئین پرداخت زنه زر و مرده شورانه که در وصیت نامه سلطان محمد نیز قید شده بود که می خواسته این بدعت ها را از میان مردم شرق گیلان براندازد و عاملان این رسوم را لعنت کرده بود. (شریعتی فوکلائی، ۱۳۸۸، ۱۰۷) مرده شورانه نوعی مالیات از نوع باجگیری از خویشان و آشنایان افراد در گذشته بوده و در مقابل آن مالیات زنه زر بوده و آن اینکه هرکس زن می گرفت باید قبلاً پولی به حکومت گیلان می پرداخت. (رابینو، ۱۳۶۹، ۱۳۴) البته این بدعت ها از همه قلمرو حکومت میرزا علی خارج شد به جزء تنکابن که ظاهراً حاکم آن سر از اطاعت و بندگی از سلطان بر داشته بود.

میرزا علی همچنین اجازه داد تا دختران پدر و مادری که وارث ذکور ندارند از ارث بر خوردار شوند و تصاحب ارثیه آنها به وسیله خزانه شاهی لغو گردید. بی نصیب ماندن دختران از سهم الارث بر اراضی از جمله یادگاری های بازمانده پیش از اسلام بود که پس از نفوذ تشیع در شمال ایران نخستین بار در زمان سید علی کیا مورد تجدید نظر قرار گرفت. (همان، ۱۳۴)

مختصری از اقدامات سیاسی میرزا علی کیا:

کارکیا میرزا علی برای ممانعت از اختلاف میان برادرانش به گونه ای هر کدام را از خود راضی نمود "اخوان عظام را به انواع انعامات مکرم معزز گردانیدند ولایت کوچصفهان را به حضرت کارگیا سلطان حسن بخشیدند و منضم به حکومت لشت نشاء ساختند." (مرعشی، ۱۳۶۴، ۴۱۶) همچنین حکومت گرجیان را به سلطان حسین سپرد و با دیگر برادران نیز پیمان بسته و در نهایت مهربانی با آنان رفتار می کرد.

او در ابتدا با شورش امیره اسحق فومنی حاکم بیه پس مواجه شد که ظاهراً با خواهر میرزا علی ازدواج کرده بود و از این بابت پیوند خویشاوندی با شخص میرزا علی داشت. وی در سال ۸۹۴ عازم طارم گردید و این ناحیه را تسخیر نموده و قلعه شمیران را اشغال نمود. میرزا علی همین که از این نقشه آگاه شد با شتاب سپاهی به فرماندهی مولانا قطب الدین برای دفع شورش فرستاد. ابتکار دفع این شورش هم این بود که سعی شد از جذب حمایت مردم منطقه استفاده شود. (رابینو، ۱۳۵۰، ۴۸۶)

در سال ۸۹۶ ه.ق میرزا علی از اغتشاشات متعددی که سراسر کشور را در بر گرفته بود استفاده نمود و سپاه را برای جنگ عازم قزوین نمود و یوسف بیگ را که با سپاهی از تبریز آمده بود غافلگیر کرده و یوسف را به قتل رساند. البته طی عملیاتی بعدها قزوین دوباره به دست حکومت تبریز افتاد. همچنین میرزا علی سپاهی به مازندران فرستاد و قلعه پرستک را محاصره کرد ولی این جنگ با صلح خاتمه یافت. از سال ۸۸۹ تا سال ۹۰۱ ه.ق میرزا علی برای بار دیگر در سه مرحله به مازندران حمله کرد و قلعه زایگان پس از ۲۵ روز مقاومت تسلیم شد و نائل و کجور و نور ویران گردید.

پیشتر نیز گفته شد که عداوت شدیدی میان سلاطین بیه پس و بیه پیش یعنی مابین میرزا علی کیا و امیره اسحق وجود داشت در همین حال بار دیگر بر اثر اختلافات آتش جنگ میان این حاکمان شعله ور شد این جنگ ها در نهایت منجر به صلح گردید؛ صلحی که میرزا علی را متعهد می کرد تا کوچصفهان را که ساکنین آن شافعی بودند به امیره اسحق واگذار نماید. (همان منبع، ۴۹۰)

سپهسالار عباس که وابسته به حکومت بیه پس بود؛ حکومت بیه پیش را غافلگیر کرد و با عبور از سفید رود به طرف لاهیجان و سپس رودسر پیش راند و آنجا را به آتش کشید غنیمت فراوانی از پول و جواهر و ابریشم و اسب و قاطر از لاهیجان آورد و حتی در حدود پانصد دختر و زن را با خود به همراه برد تا در صورتی که صلح برقرار شود آنها را به صورت متاعی بر پدرها یا شوهرانشان بفروشد. پیش بینی او محقق گشت میرزا علی با او صلح کرد و ناحیه جیحان و رحمت آباد را به او داد گرچه سپهسالار به دست امیر حسام الدین برادر حاکم بیه پس کشته شد. (شریعتی فوکلائی، ۱۳۸۸، ۱۱۰)

کیا فریدون که یکی از سرداران میرزا علی بود با دوستانش بر سر تقسیم ثروت مورد غضب واقع شدند و به زندان افتادند این امر موجب خراب شدن میانه میرزا علی و برادرش سلطان حسن شد مخصوصاً زمانی که کیا فریدون از میرزا علی کناره گرفت و به خدمت برادر کوچکتر یعنی سلطان حسن در آمد به این کدورت افزوده گردید. با این حال سلطان حسن؛ کیا فریدون را کشت چون از همکاری او با میرزا علی وحشت داشت .

پس از شرح این حوادث به طور خلاصه می توان گفت که میرزا علی در اوج قدرتش فرمانرواییش را تا قزوین،شهریار،تهران،ری ،ورامین ،فیروز کوه،تارم،ساوه ،زنجان و سلطانیه گسترش دادهمانطور که گفته شد بارها به مازندران لشکر کشید.

میرزا علی کیا و شاه اسماعیل صفوی:

گیلان سرزمینی که در حافظه تاریخی سلاطین صفوی یاد آور خاطرات خوشایندی بودچرا که آنان توانستند در پرتو این سرزمین شکل گیری و بقا سلطنت خود را تضمین نمایند و شاید به خاطر همین احساس دین به این سرزمین و حاکمان آن بود که صفویان تا زمان پادشاهی شاه عباس اول قدرت های مستقل و پادشاهی های کوچک آن را بر هم نزدند.

این توجه ویژه به گیلان از دو منظر قابل تحلیل است نخست اینکه گیلان مرکز اصلی نفوز و تبلیغات موفقیت آمیز خاندان صفوی بودآنها توانسته بودند از طریق این مرز و بوم شبکه گسترده ارتباطی را با سایر طرفداران خود در نقاط دیگر بر قرار نمایند. و دوم اینکه گیلان وطن شیخ زاهد گیلانی مرشد شیخ صفی الدین به شمار می رفت و شاید خاطره ی همین مهمان نوازی ها و حمایتها در اذهان اعضای بعدی این خاندان مانده باشد که سالها بعد دوباره در زمان حکومت میرزا علی کیا تکرار می شود گویی تاریخ خاندان صفوی به این سرزمین گره خورده و مقدر به دوبار تکرار شدن است . حال سؤال این است که چرا اسماعیل میرزا به گیلان پناه برد؟ دلایل متعددی برای پاسخ دادن به این سؤال وجود

دارد اما شفاف ترین آنها عبارتند از : اضطرار جهت فرار در آن مقطع تاریخی که برای اسماعیل میرزا خرد سال به وجود آمد. زیر نفوذ نبودن گیلان از حکومت مرکزی و داشتن قدرت سیاسی مریدان شیخ صفی الدین و به تبع آن دوستداران شیخ حیدر و پسر آن اسماعیل میرزادر این خطه. که یکی از این دوستداران قدرتمند کارکیا میرزا علی بود که مقرر حکومتش در لاهیجان قرار داشت .

هنگامی که شیخ حیدر کشته شد اسماعیل یک سال بیشتر نداشت .سپس اورابه همراه برادران و مادرش در قلعه استخر فارس زندانی کردند از آنجا که میان فرمانروایان آق قویونلو بر سر سلطنت منازعه در گرفته بود؛اوزون حسن پسران حیدر را از زندان آزاد کرد و با کمک آنها بر رقبا پیروز شداما به زودی از قدرت آنها نگران شد وبرادر بزرگ اسماعیل را کشت و پس از آن بود که اسماعیل به گیلان گریخت .اسماعیل را سران قزلباش ابتدا به اردبیل بردند و سپس اورابه سوی گیلان فراری داند اسماعیل نخست به حضور امیره اسحق حاکم سنی مذهب رشت رفت و پس از اقامتی هفت تا سی روزه به لاهیجان عزیمت کرد یکی از علل این تصمیم ناتوانی امیره اسحق در نگهداری از اسماعیل در برابر آق قویونلو گزارش شده است در حالی که کارکیا میرزا علی از نظر بزرگی خاندان و سابقه دودمانی بر تمام حکام گیلان برتری داشته است.

در دوران حمایت میرزا علی ؛ مریدان طریقت هدایایی از اطراف برای اسماعیل می فرستادند. (شریعی فوکلایی، ۱۳۸۸، ۱۱۲)

رستم آق قویونلو جاسوسانی را به گیلان فرستاد تا محل اختفای اسماعیل را بیابند آنگاه که جاسوسان خبر از مخفی شدن وی در لاهیجان دادند رستم سه فرستاده به دربار کارکیا فرستاد و تسلیم اسماعیل را خواستار شد اما کارکیا میرزا این در خواست ها را رد کرد ولی از طرفی هم نمی خواست خشم رستم را به جهت پناه دادن به اسماعیل برانگیزد دستور داد سبدی بسازند و اسماعیل را در داخل آن آویزان کنند تا وقتی که او برای فرستادگان رستم قسم می خورد پای اسماعیل بر هیچ نقطه ای از خاک گیلان نیست ؛ قسم دروغ نخورده باشد.(سیوری، ۱۳۷۴، ۲۰)

هنگامی که اسماعیل در لاهیجان به دیدار کارکیا میرزا علی نائل شد هشت سال داشت و ذهن او برای فراگیری آماده چون در سنی قرار داشت که هر چیزی در صفحه سفید ذهن او نقش دیر پای می بست . تا این زمان اسماعیل آموزهای شیعی نداشت و می توان گفت که وارث افکار طریقت غالیگرانه جنید و حیدر بود . (فصلنامه علمی پژوهشی، سال سوم، شماره دهم) آموزهای شیعی اسماعیل از لاهیجان آغاز شد و لاهیجان در ایجاد تعصب مذهبی اسماعیل موثرترین نقش را داشته است.

کارکیا میرزا علی؛ شمس الدین لاهیجی را که عالمی بر جسته در مذهب شیعی به شمار می رفت برای آموزش دادن به اسماعیل برگزید و شمس الدین قرائت قرآن را به اسماعیل آموخت . این معلم چنان تاثیری بر اسماعیل گذاشت که بنیانگذار سلسله صفوی پس از جلوس بر تخت سلطنت بی درنگ او را به مقام صدرات برگزید و این نشان می دهد که این تاثیر تا کجا بوده که معلم خود را در امور دینی و نظامی سلطنت خود دخالت داده است!

اسماعیل میرزا در سن سیزده سالگی قصد خروج و جهانگشایی و رسیدن به سلطنت نمود ولی کارکیا میرزا علی مخالفت می نمود و دلیل آن را کمی سن و کمبود سپاه و کثرت مخالفان و دشمنان می دانست و سعی می نمود با نصیحت و موعظه وی را از این کار منصرف کند . (شریعتی فوکلابی، ۱۳۸۸، ۱۱۳) اما اسماعیل میرزا که برای رسیدن به قدرت شتاب داشت و موقعیت را مناسب می دید با اصرار اجازه رفتن گرفت . کارکیا و گروهی از بزرگان او را بدرقه کردند. اسماعیل میرزا به روایتی شش سال ونیم و به روایتی هشت سال در لاهیجان نزد میرزا علی کیا بسر برد و زمانی که لاهیجان را به قصد آذربایجان ترک می کرد گروهی از گیلکان و تالشان او را همراهی می کردند . (فاخته، ۱۳۸۶، ۶۴)

هنگامی که قیام اسماعیل به نتیجه رسید و او در سال ۹۰۵ رسماً به سلطنت رسید به پاس خدمات کیابیان در حالی که می کوشید سراسر ایران را به یک حکومت واحد تبدیل کند ؛ تا زنده بود متعرض حکومت سادات کارکیایی لاهیجان نشد و حکومت آنها را به رسمیت شناخت.

سرانجام میرزا علی کیا به اینگونه شد که سلطان حسن برادر میرزا علی قدرت زیادی پیدا کرد و بزرگترین رقیب کار کیا شد . میرزا علی زمانی که فرماندهان سپاه سلطان حسن برای مستقر ساختن قدرت خود بر نواحی سر حدی بیه پیش و دادن فرمان پیشروی به سوی لا هیجان سلطان حسن را ترک کرده بودند و اودر رانکوه بدون قوا مانده بود از فرصت استفاده نموده و به رانکوه عزیمت کرده و شب هنگام برادر رابه قتل رساند اما خود وی نیز روز بعد توسط قوای برادرش سلطان حسن مغلوب و کشته شد.

نتیجه:

سادات کیایی با متصل نمودن خود به امامان معصوم توانستند قدرت سیاسی بیابند گرچه آنها در طول حکومت طولانی خود جهت ثبات حکومت خود ناچار به جنگ با حکومت های محلی دیگر گیلان بودند اما شاید مهمترین دلیل بقا حکومت آنها ؛ شیعی بودن حکومت آنها و قداستی بوده که مردم منطقه برای آنها قائل بودند که دامنه ی این دوام تا کنون نیز در غالب بقاع متبرکه و امامزادهای کیایی گسترش یافته است که به عنوان فرزندان امام موسی کاظم ؛ محل زیارت و عرض حاجات بسیاری از علاقه مندان به خاندان آل رسول است. بی گمان نام میرزا علی کیا نه تنها در حافظه دینی مردم املش و گیلان ؛ بلکه در اذهان تاریخی کل ایران نقش می بندد چرا که اوزمانی توانست با استفاده از باورهای شیعی خود چنان تاثیری در اسماعیل میرزا صفوی بگذارد که او با عدول از باورهای صوفیانه اجداد خود که با عقیده های اهل سنت متناسب بوده ؛ به باورهای شیعی گرایش پیدا کند . شاید این بزرگترین دستاورد سیاسی میرزا علی کیا باشد که در پس آن همه جنگ و گریز باحاکمان محلی ؛ این بار از افکار مذهبی او رخ می نماید و دامنه ی آن سرتاسر ایران را فرا میگیرد .

کتابنامه :

- ۱- اصلاح عربانی - ابراهیم، ۱۳۷۴، کتاب گیلان، گروه پژوهشگران ایران، ج ۱.
- ۲- جکتاجی - م.پ، ۱۳۸۵، فرهنگ عامیانه زیارتگاه های گیلان، رشت، ایلیا.
- ۳- رابینو - ه. ل، ۱۳۶۹، فرمانروایان گیلان، ترجمه م.پ جکتاجی - دکتر رضا مدنی، رشت، گیلکان.
- ۴- رابینو - ه. ل، ۱۳۵۰، ولایت دارالمرز ایران - گیلان، ترجمه جعفر خمami زاده، بنیاد فرهنگ ایران.
- ۵- سرتیپ پور- جهانگیر، ۱۳۷۰، نام ها و نامدارهای گیلان، رشت، گیلکان.
- ۶- سیوری- راجر، ۱۳۷۴، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، مرکز.
- ۷- شریعتی فوکلابی - حسن، ۱۳۸۸، حکومت شیعی آل کیا در گیلان، قم، موسسه شیعه شناسی.
- ۸- غفاری فرد - عباسقلی، مقاله کارکیا میرزا علی در تفکر شیعی شاه اسماعیل صفوی، فصلنامه علوم انسانی، سال سوم، شماره دهم.
- ۹- غلامی - قاسم، ۱۳۸۶، زیارتگاههای گیلان، رشت، ایلیا.
- ۱۰- غلامی - قاسم، ۱۳۸۶، امامزاده های گیلان، رشت، ایلیا.
- ۱۱- فاخته - قربان، ۱۳۸۶، تاریخ گیلان پس از اسلام، رشت، ایلیا.
- ۱۲- فومنی - عبدالفتاح، ۱۳۵۲، تاریخ گیلان، تصیح منوچهر ستوده، بنیاد فرهنگ ایران.
- ۱۳- لاهیجی - علی بن شمس الدین، ۱۳۵۰، تاریخ خانی، تصیح منوچهر ستوده، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.

۱۴- مرعشی - سید ظهیرالدین بن سید نصیر الدین, ۱۳۶۴, تاریخ گیلان و دیلمستان , با تصیح دکتر
منوچهر ستوده , اطلاعات .